

کردها و بلوای سوریه



«نیروهای کرد سوریه جزو شجاع‌ترین و اثرگذارترین نیروها در جنگ علیه داعش در سوریه بوده‌اند. با این حال، در وضع کنونی آنها هم ممکن است در مسیری قرار بگیرند که جزو خائن‌ترین افراد محسوب شوند.»

به گزارش آران نیوز: جان وایت در تحلیلی برای مجله آمریکایی "کانترپانچ" می‌نویسد: «چه نیروهای کردی که در سایه توجهات ی.پ.گ (یگان‌های مدافع خلق) سازماندهی شدند و چه کردهایی که تحت‌الحمايه نیروهای اس.دی.اف (نیروهای دموکراتیک سوریه) بودند، هیچ شکی نیست نقشی که آنها در مقاومت‌های اولیه در شمال سوریه از خود نشان دادند، چشمگیر بود و اکنون نیز نقش آنها در مبارزه علیه داعش تاریخ‌ساز می‌شود. واضح است کردهایی که به پیشروی در استان رقه ادامه می‌دهند و از شمال نزدیک مرکز این استان می‌شوند با حمایت ارتش آمریکا قصد دارند تا با بهره‌برداری از هرج و مرج حاصل از درگیری‌ها، منطقه خودمختار "روژاوا" (کردستان غربی) را با مرکزیت حسکه برای خود دست و پا کنند.

در ابتدا نگرانی‌ها درباره نیت کردها ماه مارس و زمانی برانگیخته شد که کردها و متحدانشان با برگزاری نشستی در شهر رمیلان استان حسکه به صورت یکجانبه فدراسیون خودمختارشان را در شمال سوریه اعلام کردند و همانطور که قابل درک است دولت سوریه از پذیرش و یا به رسمیت شناختن آن امتناع کرد. در ژانویه، دو ماه پیش از اعلام این خودمختاری توسط کردها، نیروهای آمریکایی کنترل فرودگاهی در خارج از رمیلان را به دست گرفتند. نیازی نیست که نابغه باشید تا به ارتباط این دو مساله با یکدیگر پی ببرید.

با این حال چیزی به نحو غیرقابل انکاری تیره و نامشخص است؛ آمریکا با کردها در چند ماه گذشته حتی به قیمت نارضایتی شدید ترکیه به عنوان متحد آنها در ناتو، یک رابطه نزدیک نظامی برقرار کرده است. این امر بیانگر آن است که پنتاگون در کردها و سایر گروه‌هایی که نیروهای دموکراتیک سوریه را تشکیل می‌دهند، نهایتاً توانسته یک "نیروی سوم" را ببیند که می‌توان از آن برای حضوری نظامی و ژئوپلیتیک و رای درگیری‌های کنونی استفاده کرد و آنها را حد فاصل دولت اسد و داعش دانست.

از این منظر، هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم موضوع تغییر رژیم در دمشق از روی میز واشنگتن برداشته شده است؛ اگرچه ممکن است اوضاع مانند شرایط کردهای عراق پس از جنگ اول خلیج فارس در 1990-1991 شود که آمریکا آنها را رها کرد و این بار نیز ممکن است این شرایط برای کردهای سوریه به وجود آید بر خلاف حرف‌های حمایتی که از دهان آمریکایی‌ها خارج می‌شود.

می‌دانیم که کردها به لطف معاهده سایکس پیکو بزرگترین مردمان بی‌کشور جهان هستند و بین چهار کشور خاورمیانه (ایران، عراق، سوریه و ترکیه) تقسیم شده‌اند و سهم عمده‌ای از آنها هم به سمت اروپا مهاجرت کردند. آمار دقیقی از جمعیت کردها در دست نیست اما جمعیت آنها بین 20 تا 30 میلیون نفر تخمین زده می‌شود. گفته می‌شود، این اشتباه است که بخواهیم آنها را یک گروه "همگن" در نظر بگیریم. آنها چگونه می‌توانند چنین باشند آن هم پس از آنکه نسل‌ها به صورت تکه‌تکه در کشورهای مختلف بوده‌اند و با سوءظن و بی‌اعتمادی و تجربه سرکوب‌های مداوم مواجه شده‌اند؟

دو و نیم میلیون کرد در سوریه هستند که اغلب در نواحی شمالی و در مرز با ترکیه زندگی می‌کنند. دولت اسد هم سال 2011 به 300 هزار تن از آنان حق شهروندی داد؛ حرکتی که مخالفان در غرب آن را غیر سازنده خواندند.

صرفنظر از این مساله، سوریه همچنان یک کشور مستقل مانده است و مردمش نمی‌پذیرند که هیچکدام از بخش‌هایش به بهانه درگیری‌ای که بیش از 60 هزار سرباز و افسر سوری جان خود را در آن داده‌اند، تقسیم شود. برخی از آن سربازان و افسران همانطور که رابرت فیسک، روزنامه‌نگار انگلیسی در فوریه نوشت، به دست کردها کشته شدند؛ زمانی که پس از درگیری بر سر پایگاه هوایی "منغ" در سال 2013 عقب‌نشینی سربازان و افسران سوریه آن را به اراضی تحت کنترل کردها تبدیل کرد تا کردها هم آن را در قبال تبادل زندانیان به جبهه النصره تحویل بدهند. افسران سوری از سربازان جدا شده و اعدام شدند.

گرچه در واشنگتن مدت‌هاست که این موضوع اهمیت خود را از دست داده است، اما نیروهای زمینی ایالات متحده در سوریه بدون موافقت قبلی دولت مشروع این کشور که آن را نقض حاکمیت خود می‌داند، عملیات انجام می‌دهند و زمانی که بحث اعتماد به انگیزه‌های آمریکا پیش می‌آید، طبعاً نشانه‌های خوبی دیده نمی‌شود.

جایی که واشنگتن در آن نگران است طبعاً سوری‌ها، ایرانی‌ها و روس‌ها هم در آن هیچ توهمی ندارند و بدون شک خود را برای هر احتمالی آماده می‌کنند.

بدون هیچ شک و تردیدی ترکیه، کردها و داعش را در یک دسته قرار می‌دهد و به این ترتیب لایه جدیدی از توطئه به این درام آشکار اضافه می‌کند. اینکه تصور کنیم زمانی که چیزی شبیه کشور کردستان در نزدیکی مرز با ترکیه تاسیس شود، آنکارا هم عقب بنشیند و کاری انجام ندهد، توهم محض است؛ حتی اگر در هر شرایط مکانی و زمانی و حتی اگر درگیر عملیات نظامی علیه پ.ک.ک باشد.

شاعر انگلیسی ویلیام بلیک می‌گوید: بخشیدن دشمن آسان تر از بخشیدن دوست است.

کردها در طول تاریخ خود تمایل زیادی به پذیرش حمایت از هر قدرت امپریالیستی برای پیشبرد اهدافشان برای تشکیل یک

کشور نشان داده‌اند. این اشتباه آنها بوده است چرا که امپریالیسم هر چه را با یک دست داده است، با دست دیگر گرفته است.»